

ساخت لایه‌ای گروه اسمی در زبان کردی مکریانی بر اساس دستور نقش و ارجاع

فرزاد عزیزی

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی دانشگاه سیستان و بلوچستان

سید فرید خلیفه لو^۱

استادیار زبان‌شناسی همگانی دانشگاه سیستان و بلوچستان

غلامحسین کریمی دوستان

استاد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه تهران

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۷/۱۸؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۹/۲۲

چکیده

در این مقاله، ساخت نحوی گروه اسمی در کردی مکریانی که یکی از گویش‌های زبان کردی سورانی محسوب می‌شود در قالب دستور نقش و ارجاع و بر اساس الگوی ون ولین (۲۰۰۵) بررسی می‌شود. در این چارچوب، گروه اسمی از دو فرافکن تشکیل شده است: فرافکن سازه‌ای، متشکل از مرکزاسمی و هسته‌اسمی و عناصر حاشیه آنها و فرافکن دستوری، متشکل از عملگرها. این تحقیق از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌های مورد استناد نیز از کتب دستوری و نوشتاری گویش مکریانی و بعضاً بر اساس شم زبانی محقق که گویشور این گویش محسوب می‌شود، انتخاب شده‌اند. در وهله بعدی، این داده‌ها مطابق الگوی لایه‌ای دستور نقش و ارجاع مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند و الگوی پیشنهادی گروه اسمی در این گویش به دست آمده است. از نتایج تحقیق اخیر می‌توان به عدم وابستگی ساخت گروه اسمی مکریانی به ترتیب خطی عناصر تشکیل دهنده آن اشاره کرد به نحوی که واژه‌بست‌های نشان‌دهنده شمار و معرفه که به هسته اسمی متصل می‌شود علیرغم مجاورت با آن، جزء عملگرهای هسته محسوب نمی‌شوند بلکه در ردیف عملگرهای مرکز اسمی و سطح گروه اسمی قرار می‌گیرند. از نتایج دیگر این تحقیق آن است که در کردی مکریانی صفات واقع در جایگاه پس از هسته‌اسم در قالب دستور نقش و ارجاع به‌عنوان حاشیه هسته‌اسم و صفات پیش از هسته‌اسم که بیانگر کمیت‌اند به‌عنوان عملگر مرکزاسم شناخته می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: گروه اسمی، دستور نقش و ارجاع، هسته اسمی، مرکز اسمی، زبان کردی مکریانی

۱- مقدمه

زبان کردی یکی از زبان‌های هندواروپایی است و به خانواده شمال غربی زبان‌های ایرانی تعلق دارد و از سوی زبان‌شناسان به نامی همچون مکنزی^۱ (۱۹۶۱) به سه گویش شمالی یا کرمانجی، گویش مرکزی یا سورانی و گویش جنوبی تقسیم می‌شود: گویش سورانی خود به گونه اردلانی در سنندج و گونه مکریانی در مهاباد، سردشت، نقده، بوکان، شاهین‌دژ، پیرانشهر و اشنویه تقسیم می‌شود (دانش‌پژوه، ۱۳۹۳: ۲).

در طول زمان تعبیر و برداشت‌های متفاوتی از مفهوم گروه در بین زبان‌شناسان مطرح بوده است؛ یسپرسن (۱۹۷۶: ۱۵) گروه را ترکیبی از کلمات می‌داند که با همدیگر تشکیل گروهی معنایی را می‌دهند. به‌طور سنتی میان مقوله واژگانی اسم و مقوله نحوی گروه اسمی تمایز وجود دارد؛ آن‌گونه که تایلور (۲۰۰۲: ۳۴۳) بدان اشاره می‌کند، گروه‌های اسمی می‌توانند پیچیدگی‌های ساختاری درونی گوناگونی داشته باشند، اما تابع این اصل ساده هستند که از یک اسم بعلاوه تعدادی عنصر وابسته تشکیل می‌شوند، منتها این عناصر و مؤلفه‌های وابسته قادر به ایجاد ساخت‌هایی گوناگون و متنوع می‌باشند.

دی مونینک^۲ (۲۰۰۰: ۲۰) هسته گروه اسمی را برجسته‌ترین عضو این گروه می‌داند که توسط مقولاتی همچون اسم، ضمیر، عدد و یا صفت جایگزین می‌شود. ساخت گروه اسمی خاصیت تکرار شونده دارد زیرا گاهی چندین عنصر وابسته می‌توانند به هسته اضافه شوند. برخی از این وابسته‌ها قبل از هسته و برخی دیگر پس از هسته واقع می‌شوند. دستور نقش و ارجاع، به‌رغم تمامی این موارد، اعتقادی به وجود مجموعه‌ای جهانی و فراگیر از مقولات واژگانی در زبان‌ها نداشته و تنها اسم و فعل را جهانی می‌داند؛ ون ولین^۳ (۲۰۰۵: ۱۹) از قیدها تحت عنوان افزوده‌های غیر گروهی نام می‌برد و همچنین گروه وصفی را در زمره عملگرهای گروه اسمی قرار می‌دهد (۲۰۰۵: ۲۶). همچنین، این دستور تمامی مقولات نحوی در زبان‌های بشری را درون مرکز^۴ یا فرافکنی از یک هسته واژی یا نقشی نمی‌داند که این موضوع در تحقیق اورت^۵ (۲۰۰۲) پیرامون

1. Mackenzie
2. De Monnik
3. Van Valin
4. endocentric
5. Everett

زبان واری^۱ در آمازون آشکار گشت و مطابق آن، نوع مقولات نحوی را هسته تعیین می‌کند.

۲- چارچوب نظری

دستور نقش و ارجاع برخلاف دستورهای صورت‌گرا قائل به وجود هیچ نوع نمود نحوی انتزاعی نبوده بلکه نمودهای نحوی جملات را منطبق بر صورت حقیقی آنها می‌داند. ون ولین و لاپولا^۲ (۱۹۹۷: ۳۱۷) رابطه میان بازنمود معنایی و بازنمود نحوی را مستقل از یکدیگر می‌دانند به نحوی که هیچ‌کدام از دیگری مشتق نمی‌شوند و به یکدیگر پیوند می‌خورند؛ بنابراین، رویکرد خود را رویکردی غیر اشتقاقی می‌دانند.

به اعتقاد ون ولین (۲۰۰۵: ۲) انطباق دوسویه میان نحو و معناشناسی یکی از ویژگی‌های متمایز رویکرد دستوری نقش و ارجاع به حساب می‌آید. شیوه بررسی گروه اسمی را در دستور نقش و ارجاع می‌توان حاوی دو ویژگی دانست: اول آنکه این دستور، ساخت نحوی گروه اسمی را به قیاس با ساخت نحوی بند تجزیه و تحلیل می‌کند. دومین ویژگی، مبنای ساخت بند در این دستور است که بر اساس ساختی لایه‌ای شکل می‌گیرد. این ساخت نحوی لایه‌ای به باور ون ولین و لاپولا (۱۹۹۷: ۲۷) بر اساس تمایزات معنایی به وجود می‌آید؛ سازه اولیه و اصلی بند در این نظریه مرکز^۳ نام دارد که خود مشتمل بر محمول^۴، هسته^۵ و حاشیه^۶ شامل عناصر غیرموضوع و غیرمحمول مانند عبارات مکانی و زمانی است. همین مسئله‌ی خطی نبودن ترتیب عناصر در دستور نقش و ارجاع باعث شده تا چنین ساختار سلسله‌مراتبی، تصویری واضح‌تر از ساخت بند و جمله را در زبان‌ها نمایان کند که در واقع، جنبه‌ای جهانی از ساخت جمله را آشکار می‌کند. از آنجائی که این واحدها بر اساس معنا و نه بر اساس اصول نحوی تعریف شده‌اند، بنابراین وابسته به ترتیب خطی و یا تسلط عناصر بر یکدیگر نیستند. ون ولین (۲۰۰۵: ۵) علاوه بر وجود این سازه‌های جهانی، موارد دیگری را در ساخت بند دخیل می‌داند که جنبه جهانی نداشته و ترتیب خطی سازه‌ها در تعیین جایگاه آنها نقش مهمی بازی می‌کنند

1. Wari

2. Lapolla

3. core

4. predicate

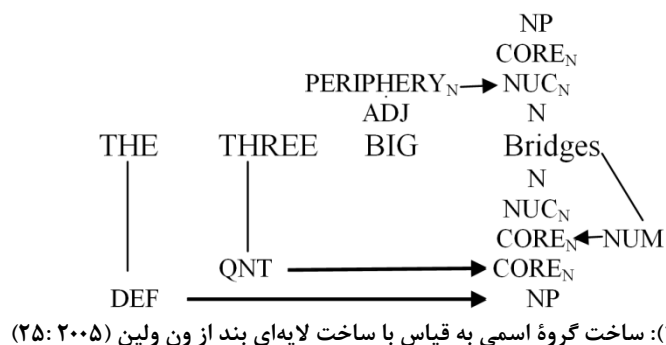
5. nucleus

6. periphery

مانند جایگاه‌های پیش از مرکز و پس از مرکز و جایگاه‌های جداشده از راست و جداشده از چپ.

۲-۱- ساخت گروه اسمی در دستور نقش و ارجاع

در ساخت لایه‌ای گروه اسمی یک هسته اسم و یک مرکز اسم مشتمل بر هسته و عناصر وابسته به آن وجود دارد و هر سطح نیز دارای عناصر حاشیه خویش هست. ون ولین و لاپولا (۱۹۹۷: ۵۸) گروه‌های اسمی که هسته آنها ضمیر و یا اسامی خاص باشد را فاقد ساخت لایه‌ای می‌دانند. چنین سازه‌هایی معمولاً حاوی عبارات ارجاعی مانند اسم خاص و ضمیر می‌باشند که این دو مورد اخیر جایگزین گروه اسمی شده و فاقد عناصر موضوع هستند و بنابراین، فاقد گره مرکز اسم یا هسته اسم خواهند بود. شباهت ساخت لایه‌ای بند و گروه اسمی که هریک دارای فرافکن‌های جداگانه‌ای برای سازه‌ها و عملگرها هستند را می‌توان در نمودار زیر از ون ولین (۲۰۰۵: ۲۵) به‌وضوح مشاهده نمود که هسته اسمی گروه اسمی را اسم (bridge) تشکیل داده و تمایز میان عنصر مرکز و حاشیه و عملگرها مشخص است:



در دستور نقش و ارجاع یکی از تمایزات مهم در ساخت نحوی بند و گروه اسمی، تمایز میان ساخت سازه‌ای و فرافکن عملگرها هست؛ خصوصاً عملگرهای گروه اسمی که آنها را مسئول بیان جایگاه و مکان مرجع با توجه به نقطه ارجاع و یا پیش‌فرض گوینده مبنی بر مشخص بودن مرجع برای شنونده می‌دانند. در حقیقت، عملگرها مقولاتی دستوری هستند که توصیف‌کننده لایه‌های مختلف بند مانند نمود، زمان دستوری، وجهیت و نفی بوده و نقطه شباهت ساخت لایه‌ای بند و گروه اسمی در دستور نقش و ارجاع محسوب می‌شوند. نمود اسمی بیانگر این نکته است که آیا اسم مرجع شخص،

گروهی از اشخاص و یا یک نوع است. عملگرهای مرکز اسم به کمیت اشاره دارند یعنی وظیفه تعیین مقدار و نفی را برعهده دارند و در موارد زیر به نشان‌دار کردن گروه اسمی می‌پردازند: تعداد، مقدار و نفی. درحالی‌که عملگرهای سطح گروه اسمی، همانند عملگرهای سطح بند که نشان‌دهنده توان منظوری و زمان دستوری هستند، گروه اسمی را درون‌گفتمان بررسی می‌کنند. این نوع از عملگرها وظیفه تعیین مرجع کل گروه اسمی را در جهان خارج به‌عهده دارند و از این نظر، مشابه عملگرهای سطح بند می‌باشند که بند را در بافت واقعی جهان خارج قرار می‌دهند. این دسته از عملگرها در دو مورد، یعنی معرفه‌گی و ارجاع، گروه اسمی را نشان‌دار می‌کنند. درحالی‌که عملگرهای سطح گروه اسمی و مرکز اسم با ارجاع، مقدار و کمیت اسم سروکار دارند، عملگرهای لایه هسته اسم توصیف‌کننده کیفیت مرجع اسم می‌باشند. از نقش عملگرها در این لایه گاهی با عنوان نمود اسمی نیز نام می‌برند زیرا همان‌گونه که نمود بند با ساخت درونی رخدادها ارتباط دارد، این دسته از عملگرها نیز با ساخت درونی یا صورت مرجع سروکار دارند.

طبقه‌بندی اسم یکی از مهم‌ترین وظایف عملگرهای هسته اسم است که به شکل و ماهیت مرجع اسم اشاره دارد. در ادامه، جدول عملگرهای لایه‌های مختلف گروه اسمی را مشاهده می‌کنید که به سه دسته عملگرهای هسته اسم، عملگرهای مرکز اسم و عملگرهای سطح گروه اسمی به نقل از ون ولین (۲۰۰۵) دسته‌بندی شده‌اند:

جدول (۱): عملگرهای گروه اسمی به نقل از ون ولین (۲۰۰۵: ۲۴)

عملگرهای هسته اسم
نمود اسمی (قابل‌شمارش و غیرقابل‌شمارش، ممیزهای اسم)
عملگرهای مرکز اسم
عدد
کمیت
نفی
عملگرهای سطح گروه اسمی
معرفه‌گی
صفات اشاره

ترتیب قرار گرفتن عملگرها در گروه اسمی تابع همان محدودیت‌های قرارگیری عملگرها در بند خواهد بود. در گروه اسمی نیز همانند بند عناصر حاشیه وظیفه توصیف

هر سه سطح را دارند و از آنجائی که وظیفه اولیه عملگرهای هسته اسم توصیف محدود است، بنابراین منطقی خواهد بود که حاشیه هسته اسم نیز شامل توصیف‌کننده‌های محدودکننده حاشیه‌ای باشد من جمله صفات، توصیف‌کننده‌های اسمی و بندهای موصولی محدودکننده. از سوی دیگر، توصیف‌کننده‌های غیر محدودکننده در حاشیه سطح گروه اسمی ظاهر می‌شوند. سازه‌های حاشیه مرکز اسم عبارت‌اند از گروه‌های حرف‌افزافه افزوده و قیده‌های بیانگر رخداد‌های پیچیده. ون ولین (۲۰۰۵: ۲۶) اشاره می‌کند که در آثار اولیه دستور نقش و ارجاع، صفت‌ها به‌عنوان عملگرهای هسته اسم در نظر گرفته می‌شدند و تنها گروهی از مقولات واژگانی بودند که هم در ساخت بند و هم در ساخت گروه اسمی در جایگاه عملگر قرار می‌گرفتند. علاوه بر این، عملگرها مشتمل بر مقولات دستوری (نقشی) هستند، بنابراین بهترین برداشت از نقش صفت در گروه اسمی در مقایسه با نقش قید در ساخت بند قرار دارد بدین‌صورت که آنها را سازه حاشیه هسته اسم نامید که جایگاه آنها وابسته به اصل تصویرگونگی بوده و به نسبت توصیف‌کننده‌ها و عملگرهای سطح گروه اسمی در فاصله نزدیک‌تری به هسته اسم قرار می‌گیرند تا مرکز اسم. در ادامه تنها به بررسی بازنمایی نحوی ساخت لایه‌ای گروه اسمی در چارچوب این دستور می‌پردازیم و به دلیل گستردگی موضوع از ورود به مباحث معنایی و کاربردشناسی گروه اسمی خودداری می‌کنیم که هرکدام می‌تواند موضوع مقاله‌ای جدا باشد.

۳. پیشینه تحقیق

گروه اسمی به‌طور کلی در چارچوب‌ها و قالب‌های گوناگونی مورد تحقیق و مطالعه قرار گرفته است که می‌توان به دستور زایشی و اشکال گوناگون آن همچون حاکمیت و مرجع‌گزینی و کمینه‌گرایی، معناشناسی، رده‌شناسی، دستور واژی‌نقشی و نقش و ارجاع اشاره کرد. در دستور کمینه‌گرا عمده تحقیقات صورت پذیرفته پیرامون نحو گروه اسمی را می‌توان مدیون پیشرفت‌های نظری در حیطه این دستور و خصوصاً نظریه گروه حرف تعریف دانست که انگیزه کافی را فراروی محققان قرار داد تا همان‌گونه که بند را اساساً فرافکنی از فعل به همراه دیگر فرافکن‌های نقشی می‌دانستند گروه‌های اسمی را نیز فرافکنی از هسته حرف تعریف بنامند. در این زمینه می‌توان به الکسیادو و همکاران^۱

^۱. Alexiadou et al

(۲۰۰۷) اشاره کرد. ریکوف^۱ (۲۳۱-۲۱۸:۲۰۰۲) با دیدی رده‌شناسانه موضوع کلی گروه اسمی را در زبان‌های جهان بررسی کرده و تلاش کرده است تا ساخت گروه اسمی را با دیدی جهانی بنگرد و الگویی متمرکز و یکپارچه از ساخت این گروه را در قالب دستور نقشی دیک (۱۹۹۷) ارائه نماید. منطق ریکوف در استفاده از دستور نقشی دیک، وجود نمود معنایی ساخت زیرین گروه اسمی در این دستور و عدم چینش خطی عناصر آن است به نحوی که ون ولین و لاپولا (۱۹۹۷: ۵۲-۵۹) الگوی لایه‌ای ارائه شده ریکوف را مشابه الگوی خویش از ساخت گروه اسمی می‌داند.

از سوی دیگر پستویوفسکی^۲ (۱۹۹۸) بر اساس نظریه واژگان زایشی نمود معنایی اسم را بر اساس یکسری ویژگی‌ها بیان می‌کند که نقشی اساسی در تعیین معنای جمله بازی می‌کنند؛ این ویژگی‌ها به نقش‌های سازه‌ای، صوری، کرانمند^۳ و عامل تقسیم می‌شوند، اما پیچیدگی‌های فراوانی را حین بازنمود منطقی و معنایی بند و گروه اسمی فراروی خواننده قرار می‌دهند. در زبان فارسی نیز از منظر دستور نقش و ارجاع در باب گروه اسمی می‌توان به پایان‌نامه ساخت لایه‌ای گروه اسمی (پیمان و همکاران: ۱۳۹۵) اشاره کرد. پیمان در این پایان‌نامه به تبیین ساختار گروه اسمی زبان فارسی در چارچوب دستور نقش و ارجاع پرداخته و به این نتیجه رسیده است که این دستور با برخورداری از تحلیل نحوی یک سطحی و حذف گروه صفتی در تبیین گروه‌های اسمی توانسته است به درستی مشخصات نحوی این گروه را بیان کند.

در کتب دستور زبان موجود پیرامون زبان کردی ساختمان و ماهیت اسم عمدتاً از نظر صرفی و معنایی توصیف شده است و تنها منابع محدودی همچون رخصادی (۱۳۷۹) اشاراتی مختصر به ساخت گروه اسمی داشته‌اند، اما پایان‌نامه‌ها و مقالاتی پیرامون ساخت گروه اسمی و یا عناصر تشکیل‌دهنده آن از دیدگاه دستور زایشی به انجام رسیده است. تمرکز عمده این تحقیقات بر گره‌های نقشی و اشتقاق این گره‌ها خصوصاً گره حرف تعریف و ماهیت توصیف‌کننده‌ای گروه اسمی بوده است که به عنوان نمونه می‌توان به پایان‌نامه محمدی بلبان‌آباد (۱۳۸۷) اشاره کرد. او در بررسی ساخت اضافه در کردی سورانی از منظر کمینه‌گرایی اشاراتی به ساخت گروه اسمی در این

1. Rijkhof

2. Pustejovsky

3. telic

گوش داشتته و در توصیف ویژگی‌های گروه اسمی در کردی سورانی این‌گونه بیان کرده است که هسته در ابتدا قرار می‌گیرد و وابسته‌ها پس از آن می‌آیند، همچنین هسته قادر است وابسته‌هایی مانند صفت و گروه اضافه‌ای را به دنبال خویش بپذیرد. در چارچوب دستور واژی-نقشی نیز استرانک^۱ (۲۰۰۳) ساخت گروه اسمی در گوش کردی کرمانجی را مورد بررسی قرار داده است و در حقیقت ساخت‌های اضافه را در قالب گروه اسمی در این گوش با محک دستور واژی نقشی مطالعه کرده است، اما تاکنون تحقیقی در زبان کردی پیرامون ساخت گروه اسمی از منظر دستور نقش و ارجاع صورت نپذیرفته است و همین امر ضرورت انجام این تحقیق را دوچندان می‌کند.

۴- ساخت گروه اسمی در کردی سورانی

در زبان‌شناسی ساخت‌گرا هر گروه از یک هسته و تعدادی وابسته تشکیل شده است به نحوی که ترتیب خطی عناصر تشکیل‌دهنده، نقش اساسی و تعیین‌کننده را در ساختمان گروه بازی می‌کنند. در همین دیدگاه عناصر تشکیل‌دهنده گروه اسمی به دو دسته وابسته‌های پیشین و پسین تقسیم می‌شوند که به ترتیب در جایگاه قبل و پس از اسم هسته قرار می‌گیرند؛ وابسته‌های پیشین اسم (رخزادی، ۱۳۷۹: ۱۲۰) در کردی سورانی عبارت‌اند از صفات اشاره^۲، پرسشی، مبهم، شمارشی، عالی، تعجبی و شاخص. همچنین رخزادی (۱۳۷۹: ۱۲۵) وابسته‌های پسین اسم را نیز شامل نشانه‌های معرفه، نکره، جمع، وابسته‌های صفتی (صفت‌های پسین بیانی، شمارشی ترتیبی و پرسشی ترتیبی)، مضاف‌الیه، بدل و جمله‌های وابسته (بندهای وصفی) می‌داند. ملاک صوری تشخیص این عناصر در زبان فارسی به قول کاوسی نژاد (۱۳۷۶) که در زبان کردی سورانی نیز صدق می‌کند را می‌توان این‌گونه برشمرد که وابسته‌های پیشین به یکدیگر اضافه نمی‌شوند و در بین آنها و اسم هسته، نشانه اضافه وجود ندارد. اسم هسته نیز اولین عنصری در گروه اسمی است که پس از آن نشانه اضافه قرار می‌گیرد مگر آنکه

^۱. Strunk

^۲. در این مقاله از علائم اختصاری به شرح زیر استفاده شده است:

صفت اشاره = ص ا، صفت شمارشی = ص ش، صفت مبهم = ص م،

واژه‌بست اضافه = واژه‌ا، واژه‌بست ضمیری = واژه‌ض، گروه اسمی = گا، گروه حرف‌افزافه = گح، nuc=nuclear, peri=periphery, oper=operator

بلافاصله پس از هسته نشانه جمع به کار رود که در این صورت، نشانه اضافه ظاهر نمی‌شود.

صفات اشاره، صفات شمارشی و دیگر توصیف‌کننده‌های پیشین نیز در ابتدای هسته اسمی قرار می‌گیرند. عناصر پسین اسم نیز عبارت‌اند از نشانه‌های معرفه و نکره، عناصر نشان‌دهنده جمع و طبقه کلی صفات و گروه‌های اسمی و حرف‌افزای. در چپ‌نشانی خطی عناصر در گروه اسمی بایستی به این نکته توجه داشت که لزوماً تمامی توصیف‌کننده‌های پیشین و پسین اسم هم‌زمان با یکدیگر در گروه اسمی حاضر نمی‌شوند؛ به‌عنوان مثال صفات پرسشی و مبهم هر دو هم‌زمان قبل از اسم هسته قرار نمی‌گیرند، در غیر این صورت ساخت حاصله بدساخت خواهد بود:

1.ew čand nextē keteb.ân.a* (این چند مقدار کتاب)
 معرفه=جمع=کتاب ص م ص ش ص ا

۴-۱- ساخت گروه اسمی کردی مکررانی در دستور نقش و ارجاع

در بررسی ساخت لایه‌ای گروه اسمی کردی مکررانی در دستور نقش و ارجاع ابتدا به بررسی ساختار مرکز اسم شامل هسته اسم و حاشیه و عناصری که درون این ساختار قرار می‌گیرند؛ یعنی ترکیب‌های اضافی (اضافه‌ملکی) و اسم و صفت و سپس به بررسی عناصری می‌پردازیم که در خارج از مرکز اسم واقع می‌شوند. درنهایت، جایگاه‌های آغازین و پایانی گروه اسمی و عملگرهای متفاوت هر یک از لایه‌های مختلف این گروه را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۴-۱-۱- ساخت‌های درون مرکز اسم

ساخت مرکز در گروه اسمی می‌تواند از ترکیب هسته اسمی و عناصر حاشیه‌ای تشکیل شده باشد که معمولاً متشکل از گروه اسمی، صفات پسین و بندهای موصولی محدودکننده هستند (ون‌ولین ۲۰۰۵: ۲۴). عناصر اسمی حاشیه هسته، عناصری هستند که می‌توانند در دو سوی هسته قرار گیرند و با هسته اسمی روابطی همچون رابطه شاخص، مالکیت یا رابطه جزء به کل به وجود آورند. عنصر حاشیه‌ای هسته اسمی که قبل از هسته قرار می‌گیرد را گروه اسمی شاخص تشکیل می‌دهد؛ همان‌گونه که در مثال‌های (۲ و ۳) مشاهده می‌کنید، عبارات شاخص مانند (barez=جناب، kâk=برادر، xâtu=بانو، mâmosta=استاد) قبل از هسته اسمی واقع شده و به قول کاووسی‌نژاد (۱۳۷۶) برای مشخص و محدود کردن اسم و یا افزودن مفهوم احترام به اسم به کار می‌روند. از دید او، اگر این

عبارات شاخص، نشانگر القاب و یا روابط خویشاوندی باشند (pura=عمه/خاله، xâla=دایی، mâma=عمو) آنگاه الزاماً با اسامی خاص و معرفه همراه می‌گردند:

2. [mâmostâ]NUC peri [hemen]NUC (استاد هیمن)

3- [pura] NUC peri [Fâtem] NUC (عمه/خاله فاطمه)

گروه اسمی حاشیه‌ای نیز که پس از هسته‌اسمی قرار می‌گیرد با هسته رابطه اضافه ملکی برقرار می‌کند که در این حالت، نوع زبان از نقطه‌نظر هسته‌نشان یا وابسته‌نشان بودن آن نقش تعیین‌کننده‌ای خواهد داشت؛ بدین معنی که در ساخت‌های هسته نشان، رابطه میان هسته و وابسته‌های آن بر روی هسته نشان‌دار می‌شود و در گروه اسمی بدین معنی است که عناصر نشان‌دهنده مالکیت در عوض اسم وابسته به اسم هسته متصل می‌شوند. در ساخت‌های هسته نشان، عنصر ملکی دختر مرکز اسم است و این امر، مشابه ساخت‌های هسته‌نشان در بند است. در کردی مکرپانی عنصر بیانگر مالکیت به هسته‌های اسمی در گروه اسمی ملحق می‌شود و به‌صورت واژه‌بست (i-) در این زبان تجلی می‌یابد و نه تنها میان دو اسم، بلکه میان هسته اسمی و صفت پس از آن نیز قرار می‌گیرد (مورد 5):

4.[gul.i]NUC [mâma kamâl] NUC peri (گل عمو کمال)

کمال عمو واژه-گل

5. [jeger.i] NUC [yakem] NUC peri (جانشین اول)

اول واژه.جانشین

6. [didâr.i] NUC [nusar.an] NUC peri (ملاقات نویسنده‌گان)

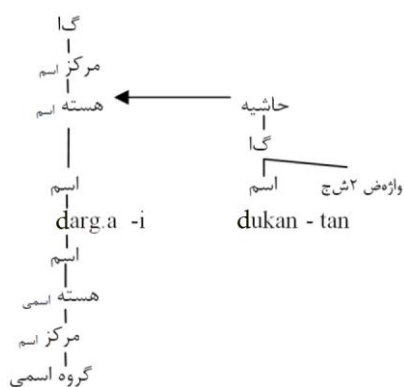
جمع.نویسنده واژه.ملاقات

علاوه بر این واژه‌بست اضافی (i-)، علی‌نژاد و صادق محمدی بلبلان‌آباد (۱۳۹۳) واژه‌بست‌های ضمیری یا آن‌گونه که مکنزی (۱۹۶۱: ۷۷) بیان می‌کند، ضمائر شخصی متصل در کردی سورانی را نیز جزء عناصری می‌نامند که می‌توانند در نقش‌های مختلفی به کار روند و یکی از این نقش‌ها عبارت است از نقش اضافی. مکنزی (۱۹۶۱: ۷۸) در این باره می‌افزاید که این ضمائر بلافاصله بعد از اسمی واقع می‌شوند که رابطه اضافه با آن دارند. در ادامه به دو مثال زیر در این رابطه دقت نمایید:

7. [pâra] NUC [ka] [yân] (پول آنها)
واژه‌ض ۳ش ج معرفه پول

8. [darg] NUC [a] [i] [dukân.tân] NUC peri (در مغازه شما)
واژه‌ض ۳ش ج.مغازه واژه معرفه. در

در مثال (7) واژه‌بست ضمیری در جایگاه حاشیه هسته‌اسمی و متصل به هسته قرار گرفته ولی در مثال (8) این واژه‌بست در پیوند با اسم حاشیه واقع شده است. در مجموع، می‌توان به این نتیجه رسید که در هر دو حالت، واژه‌بست ضمیری برخلاف واژه‌بست اضافه (-i) که جزئی از هسته اسمی محسوب می‌شود، در جایگاه حاشیه این هسته اسمی قرار می‌گیرد و بنابراین، نمودار مثال (8) در دستور نقش و ارجاع به صورت زیر خواهد بود:



نمودار (۲): ساخت سازه‌های گروه اسمی مثال (8)

در چنین حالتی، کل گروه اسمی اضافه، درست همانند موضوعات حاشیه مرکز درون بند، در جایگاه حاشیه هسته اسم و به صورت سازه خواهر هسته اسم ظاهر می‌شود. علاوه بر اینها، در گروه‌های اسمی پیچیده‌تر، همانند موارد زیر شاهد حضور عناصر دیگری همچون اسم یا گروه اسمی در نقش توصیف‌کننده، عناوین و القاب نیز هستیم. مثال (9) به نمونه‌ای از این گروه‌های اسمی اشاره دارد که در بردارنده عناصر حاشیه پیشین (شاخص) و پسین (گروه اسمی اضافی توصیف‌کننده) هسته اسمی است:

9. [barez] PERI [morâdi] NUC [barpersi ?idâra] PERI (جناب مرادی، رئیس اداره)

واژا. اداره رئیس مرادی جناب

دومین عنصر واژگانی توصیف‌کننده هسته اسمی، صفت است که بیانگر یکی از ویژگی‌های اسم بوده و در جایگاه حاشیه هسته اسمی درون مرکز اسم واقع می‌شود. عمده صفات در زبان کردی مکررانی در معنای اخص خود پس از اسم قرار می‌گیرند که همان صفات بیانگر رنگ، جنس، ابعاد و خصوصیات فیزیکی هستند. ذکر این نکته ضروری است که هنگام افزودن صفت به اسامی نکره، واژه‌بست (i) و هنگام افزودن صفت به اسامی معرفه، واژه‌بست (a) به انتهای اسم افزوده می‌شود که در مثال‌های (۱۰ و ۱۱) به

ترتیب، شاهد هسته‌اسمی نکره و معرفه و صفاتی هستیم که در جایگاه حاشیه هسته قرار گرفته‌اند. نهایتاً و با توجه به تفاوت حالات نکره و معرفه از نقطه‌نظر نمایه‌گذاری^۱ در زبان کردی از واژه‌بست‌های متفاوتی در انتهای صفت و اسم استفاده می‌شود و این خود نشان‌دهنده وجود حالت‌های مختلف صفت در زبان کردی مکریانی است. دانش‌پژوه (۱۳۸۵: ۱۸۵) به اهمیت نحوی و معنایی واژه‌بست‌ها در کردی و نقش آنها در تعیین حالات معنایی کلمه اشاره می‌کند:

10. [tanaka.y.ek.i]_{NUC} [[[raš.i]_{pri} [qupâv.i]_{pri} [tanek]_{pri}]]_{NUC pri}

نازک واژا.درهم‌فرورفته واژا.سیاه واژا.نکره.واج‌میانجی.حلبی

(قوطی حلبی سیاه در هم فرورفته نازک)

11. [âsavâr.a]_{NUC} [dasti va honari.a]_{PRI} (اثر دست‌ساز و هنری)

معرفه.هنری و دست‌ساز (معرفه).اثر

آخرین عنصر که می‌تواند در جایگاه حاشیه هسته اسمی واقع شود، بندهای موصولی هستند که در حقیقت، به توصیف هسته پرداخته و مصداق آن را در جهان خارج محدود می‌کنند و بدین‌جهت ون ولین (۲۰۰۵: ۲۴) از عنوان تحدیدی^۲ برای آنها استفاده می‌کند. این دسته از گروه‌های اسمی که از ترکیب هسته و حاشیه موصولی به دست می‌آیند به همراه گروه‌های اسمی همپایه، در زمره گروه‌های اسمی پیچیده قرار می‌گیرند که به ذکر مواردی از این ساخت و نمودار لایه‌ای آن بسنده می‌کنیم:

12. sad.ân [dastnus.i]_{NUC} kurdi [ka ba zârâvâ.y mukriyan nus.râ.va.]

وجه.مجهول.نوشتن مکریان واژا.گوش به که کردی واژا.دست‌نویس جمع.صد

(صدها دست‌نویس کردی که به گوش مکریانی نوشته شده است)

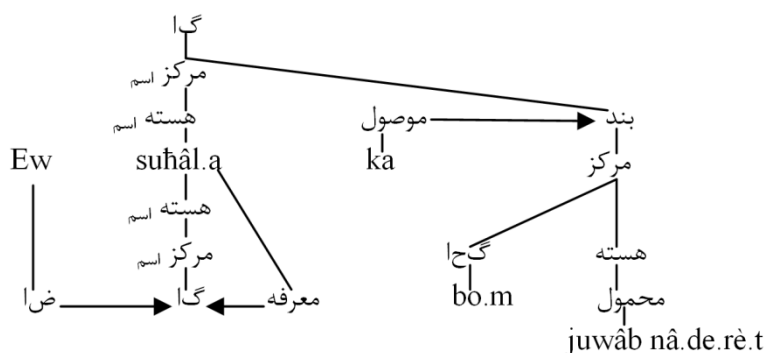
13. ew [suhâl.a]_{NUC} ka bo.m juwâb nâ.de.re.t

واژه‌ض ۳م.حال.دادن.نفی پاسخ واژه‌ض ۱ش.م.برای که معرفه.سؤال صا

(این سؤال که نمی‌توانم جواب بدهم)

^۱.indexing

^۲.restrictive



نمودار (۳): ساخت سازه‌ای مثال (13)

۴-۱-۲- ساخت خارج از مرکز اسم

درست همانند اسم یا گروه‌های اسمی که در جایگاه حاشیه درون هسته اسمی قرار می‌گیرند، گروه‌های اسمی در سطح مرکز نیز دارای عنصر حاشیه (گروه‌های حرف اضافه) می‌باشند که خارج از مرکز قرار می‌گیرند و به زمان و مکان اشاره می‌کنند. به دو جمله زیر دقت کنید که در هر دو آنها، گروه حرف اضافه در حاشیه قرار گرفته است:

14. *čand [bâbat.i]_{nuc} honari]]_{core} [la lây andâm.an]_{pri}* (چند اثر هنری از سوی اعضا)

جمع. عضو سوی از ادبی واژه. اثر چند

15. *[[čârasar kerdn.i]_{nuc} ew gira]]_{core} [la kubûnava.y sephene]_{pri}*

فردا واژه. جلسه در مشکل اشاره واژه. برطرف کردن

(برطرف کردن این مشکل در جلسه فردا)

16. *[sâhat.i]_{nuc} du.i]_{core} [pâž niwero]_{pri}* (ساعت دو بعد از ظهر)

ظهر پس از واژه. دو واژه. ساعت

در مثال (14) ساخت درون مرکز شامل هسته اسمی (*bâbat*) و عنصر حاشیه پسین (*honari*) است و کمیت‌نمای (*čand*) نیز عملگر مرکز محسوب می‌شود. در مثال‌های (15) و (16)، از سوی دیگر، شاهد هستیم که ساخت درون مرکز از یک هسته اسمی و گروه‌های اسمی حاشیه هسته تشکیل شده‌اند و عناصر حاشیه مرکز نیز که گروه‌های حرف اضافه‌اند در منتهی‌الیه سمت راست مرکز واقع شده‌اند.

۴-۱-۳- جایگاه آغازین و پایانی در گروه‌های اسمی

درون ساختار گروه‌های اسمی به تبعیت از ساخت بند، عناصر غیر موضوعی وجود دارد که در زمره عناصر حاشیه هسته و یا مرکز اسمی به حساب نمی‌آیند و مشابه جایگاه‌های پیش هسته یا پس از هسته بند عمل می‌کنند. در دستور نقش و ارجاع از این جایگاه‌ها

با عنوان جایگاه‌های آغازین^۱ و پایانی^۲ گروه اسمی نام برده می‌شود. در زبان کردی مکریانی، در جایگاه آغازین گروه اسمی، وابسته‌های پرسشی (čon (چگونه)، čand (چند)، kâm (کدام)) و وابسته‌های تعجبی (ajaw (عجب)، če (چه)) قرار می‌گیرند. جایگاه پایانی نیز مختص بندهایی موصولی است که از جایگاه اولیه خود، یعنی حاشیه هسته‌اسمی جابجا شده و به انتهای گروه اسمی یعنی به جایگاه پس از حاشیه مرکزاسمی منتقل شده‌اند که این موضوع را در مثال‌های زیر می‌توان مشاهده کرد:

17. ew čapka[gul.a.i]_{nuc} mâma kamâl.i bo to[ka bayâne nârd.i.]_{NPFP}

واژه‌ض. ۳. م. فرستاد صبح که تو برای وا. کمال عمو واژه. معرفه. گل دسته ص

(این دسته‌گل عمو کمال برای تو که امروز صبح فرستاد)

18. [ajaw]_{NPIP} [[[basarhât]_{NUC}[ek]_{NP} oper [i] [peř la pekanin]_{CORE pri}]]]_{NP}

خنده از پر واژا نکره سرگذشت عجب

(عجب سرگذشت خنده‌داری)

19. [kâm]_{NPIP} [[andâm]_{NUC} [i] [pârtamân]_{NUC pri}]_{NP}

(کدام عضو پارلمان) پارلمان واژا عضو کدام

۴-۲- عملگرهای گروه اسمی

ساخت لایه‌ای گروه‌های اسمی علاوه بر وجود عناصر جهانی هسته و مرکز، دارای عناصری دستوری است که توصیف‌کننده سطوح متفاوت این گروه بوده و جزء جهانی‌های زبانی به شمار نمی‌آیند بلکه زبان ویژه هستند؛ این عناصر با عنوان عملگر شناخته می‌شوند و آن‌گونه که قبلاً هم اشاره شد در سطوح مختلف گروه اسمی ایفای نقش می‌کنند. عملگرها به سه دسته عملگرهای سطح گروه اسمی شامل واژه‌بست‌های معرفه و نکره و صفات اشاره، عملگرهای مرکز مشتمل بر عناصر نفی، عدد و کمیت و سرانجام، عملگرهای هسته شامل ممیزهای اسم تقسیم‌بندی می‌شوند که در ادامه به بررسی هر دسته به‌طور جداگانه خواهیم پرداخت.

۴-۲-۱- عملگرهای سطح گروه اسمی

این عملگرها که از آنها با عنوان عملگرهای ارجاعی نیز یاد می‌شود وظیفه تعیین مرجع کل گروه اسمی را در جهان خارج به‌عهده دارند و از این نظر، مشابه عملگرهای سطح بند می‌باشند که بند را در بافت واقعی جهان خارج قرار می‌دهند. این دسته از

^۱. noun phrase initial position (NPIP)

^۲. noun phrase final position (NPFP)

عملگرهای گروه اسمی، گروه اسمی را از نقطه نظر ارجاع (اشاره) و معرفه یا نکره بودن نشان‌دار می‌کنند.

نشانگرهای معرفه‌گی وظیفه دارند که مرجع اسم را مطابق حدس گوینده از توانایی مخاطب در تشخیص مرجع گروه اسمی تعیین کنند؛ به بیان دیگر، کاربرد حروف تعریف نکره و معرفه لزوماً بستگی به این نکته دارد که آیا سخنگو از دانش قبلی مخاطب از مرجع گروه اسمی آگاهی داشته باشد. دانش‌پژوه (۱۳۸۵: ۶۷-۶۸) نشانه‌های نکره را در گویش سورانی متشکل از سه پی‌بست (-ak، -ek و -e) و نشانه‌های معرفه در این گویش را عبارت می‌داند از سه پی‌بست (aka)، (ka) و (a)؛ اگر اسم به یکی از دو واکه (a) و (â) ختم شود آنگاه واژه‌بست معرفه (ka) و اگر صفت اشاره قبل از اسم بیاید آنگاه واژه‌بست (a) و در غیر این صورت واژه‌بست (aka) به انتهای اسم افزوده می‌شود. ناگفته نماند که اگر اسم به واکه (a) و (û) و یا سایر واکه‌ها ختم شود آنگاه واج میانجی (y) میان واکه پایانی اسم و واژه‌بست معرفه واقع می‌شود:

20. [ew]_{NPoper} [natawa]_{NUC} [y] [a]_{NPoper} (این ملت)
 معرفه واج میانجی ملت صا

در زبان کردی تمایزی بین دو واژه‌بست معرفه یعنی (-a و -aka) وجود دارد بدین ترتیب که واژه‌بست (-a) همراه با صفات اشاره در نمود نحوی ظاهر می‌شود؛ دانش‌پژوه (۱۳۸۵: ۶۷) نیز به این مورد یعنی ترکیب اسم و صفت در کردی سورانی این‌گونه اشاره می‌کند که اگر واژه‌بست معرفه به صفت بپیوندد، آنگاه اسم، واژه‌بست (-a) می‌گیرد. نکته مهمی که در اینجا بایستی بدان توجه کرد این است که در بعضی از جملات کردی سورانی، واژه‌بست (-a) و نه صفت اشاره همراه آن نقش معرفه‌گی را در گروه اسمی برعهده دارد و دلیل این امر را طاهر^۱ (۲۰۱۷) جملاتی مانند جمله زیر می‌داند:

21. swalker-aka de.ger-et le em mał bo ew mał.
 خانه آن به خانه صا از ۳ مفرد، گشتن-وجه معرفه-گدا

(این گدا از این خانه به آن خانه می‌رود.)

علائم اشاره می‌توانند یا به صورت عملگر (صفات اشاره) و یا به صورت ضمائر اشاره ظاهر شوند؛ صفات اشاره وظیفه اشاره به نقطه‌ای خاص از زمان و مکان را با توجه به موقعیت گوینده از نظر مکانی و زمانی نسبت به آن نقطه برعهده دارند و باعث محدود و معین شدن مرجع آن اسم یا گروه اسمی می‌شوند که در حال توصیف آن هستند. نکته

^۱. Tahir

مشخصه صفات اشاره، نزدیکی یا دوری اسم مرجع به گوینده است. در زبان کردی سورانی، این صفات به ترتیب و برای اشاره به نزدیک عبارت‌اند از (ew) و (am) و برای اشاره به دور عبارت‌اند از (aw). صفات اشاره در مجموع، باعث معرفه شدن اسم مورد اشاره می‌شوند و نکته جالب در کردی سورانی این است که در چنین حالتی، صفات اشاره با همراهی واژه‌بست نشانگر معرفه به کار می‌روند:

22. [aw]_{NP oper} [basarhât]_{NUC} [a]_{NP oper} (آن اتفاق)

آن اتفاق معرفه

23. [am]_{NP oper} [dû]_{CORE oper} [keteb]_{NUC} [ân]_{CORE oper} [a]_{NP oper} (این دو کتاب)

معرفه. جمع کتاب دو صا

مسئله‌ای که باید در اینجا از نظر دور نماند تفاوت فائل شدن میان صفات اشاره به‌عنوان عملگرهای سطح گروه اسمی و ضمائر اشاره (البته اگر به‌تنهایی و بدون هیچ واژه‌بستی به کار روند)، به‌عنوان عناصری ارجاعی و فاقد ساخت لایه‌ای هستند که پاوی^۱ (۲۰۱۰: ۱۸۶) این ضمائر را به همراه اسمی خاص در زمره سازه‌های فاقد ساخت درونی قرار می‌دهد.

۴-۲-۲- عملگرهای لایه مرکز اسم

عملگرهای مرکز اسم در گروه اسمی وظیفه تعیین کمیت و نفی را برعهده دارند و به نشان‌دار کردن گروه اسمی از لحاظ تعداد و مقدار می‌پردازند. منظور از عدد، تمایز دستوری میان مفرد و جمع و در مواردی میان مثنی است. در زبان کردی سورانی همانند زبان فارسی و بسیاری دیگر از زبان‌ها تمایز دوگانه میان مفرد و جمع وجود دارد و این نشانه‌های جمع در کردی سورانی عبارت‌اند از (ân) و در مواردی (ât) مانند (xayâlât) به معنای (خیالات). این نشانه‌های جمع که به‌صورت واژه‌بستی ظاهر می‌شوند این قابلیت را دارند که علاوه بر هسته اسمی به عناصر حاشیه هسته همچون اسم و صفت نیز الصاق شوند که به باور تاکستون^۲ (۲۰۰۶: ۱۲) الحاق واژه‌بست جمع به هسته و یا حاشیه آن باعث ایجاد تمایزات معنایی و کاربردشناختی خواهد شد. مثال (۲۴) اشاره به دروسی دارد که از آنها مطلع هستیم و درواقع دشواری آنها را فارغ از هر درس دیگری بیان می‌کنیم، ولی در مثال (۲۵) صفت (دشوار) را در تقابل با صفت (آسان) قرار گرفته است:

^۱. Pavey

^۲. Thackston

24. [dars]_{NUC} [ak]_{NP oper} [ân.i]_{CORE oper} saxt (درس‌های دشوار)
 درس معرفه واژه‌جمع دشوار
25. [dars.a]_{NUC} [saxt]_{PRI} [ak]_{NP oper}[ân]_{CORE oper} (درس‌های دشوار)
 مقوله کمیت علاوه بر مفرد و جمع، شامل اعداد شمارشی و ترتیبی (du (دو)، duham (دومین)) و همچنین شامل وابسته‌های نامشخص مانند (naxtek (تعدادی، مقداری)، niskek (کمی)، hamu (همه)، har (هر)) است. مقوله بیانگر نفی (hič) نیز در این زیرمجموعه از عملگرهای مرکز اسمی می‌گنجد و نشانگر وجود یا فقدان مرجع هسته بوده و از یک لحاظ، به‌نوعی بیانگر مقدار صفر است:
26. [[hič]_{CORE oper} [mâf]_{nuc} [ek.i]_{NP oper}[halbežârden]_{NUC peri}]]_{NP}
 هیچ حق انتخاب وازانکره حق هیچ
27. [[naxtek/niskek]_{CORE oper} [mešk]_{nuc}]]_{CORE} NP
 اندکی/کمی هوش

۴-۲-۳- عملگرهای لایه هسته اسم

درحالی‌که عملگرهای لایه گروه اسمی و لایه مرکز اسم با مقدار و کمیت اسم سروکار دارند، ممیزها یا عملگرهای لایه هسته اسم بیان‌کننده کیفیت مرجع اسم می‌باشند. ممیزهای اسم^۱ که با عناوین دیگری همچون طبقه نما از آنها نام‌برده می‌شود، وظیفه مهمی در ارتباط با هسته اسمی دارند و آن وظیفه این است که به شکل و ماهیت هسته اشاره می‌کنند. از عملگرهای هسته با عنوان نمود اسمی نیز نام‌برده می‌شود زیرا این نشانگرها با ساخت درونی یا صورت مرجع سروکار دارند. در حقیقت، ممیزهای گروه اسمی، نماد و نشانگر آن چیزی هستند که توسط اسم بیان می‌شود (الکسیادو و همکاران^۲، ۲۰۰۷: ۱۹۸). تفکری رضایی و نظری (۱۳۹۲) ممیزها را به دو نوع ممیزهای عددی و کمی دسته‌بندی می‌کنند با این تفاوت که ممیزهای عددی (dank (دانه)، kas (نفر)) با اسم‌های قابل‌شمارش و ممیزهای کمی (čapka (دسته)، talis (گونی)، pâru (لقمه)، kawček (قاشق)) با اسم‌های توده‌وار و غیرقابل‌شمارش به کار می‌روند. آنها همچنین اضافه می‌کنند که حضور ممیزهای عددی با اسامی قابل‌شمارش اختیاری است و می‌توان آنها را حذف کرد.

28. [[čwâr]_{CORE oper} [[dâna/danka]_{NUC oper} [hanâr]_{nuc}]]_{CORE} NP
 چهار دانه انار

^۱. noun classifiers

^۲.Alexiadou, Haegeman and Stavrou

29. [čapka] NUC oper [gul.i] NUC [sur] NUC pri (دسته گل سرخ)
 دسته واژا گل سرخ
30. [du] CORE oper [kawčək] NUC oper [brinj] NUC (دو قاشق برنج)

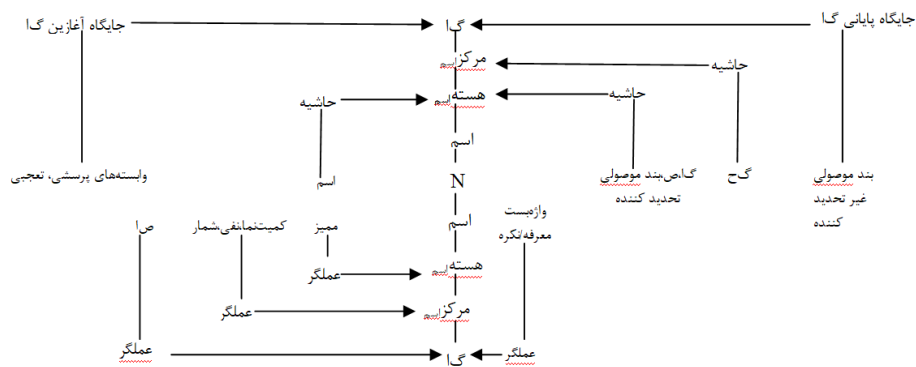
۵- نتیجه

در بررسی ساخت گروه اسمی از منظر دستور نقش و ارجاع می‌توان به نقاط قوتی اشاره کرد که مختص این دستور بوده و در دیگر دستوره‌های صورت‌گرا و سنتی مشاهده نمی‌شود. به‌عنوان نمونه می‌توان از عدم وابستگی ساخت گروه اسمی به چینش خطی عناصر در این دستور اشاره کرد که نتایجی چون ملموس‌تر بودن تحلیل‌ها، داشتن عمومیت بیشتر در بین زبان‌های جهان و همچنین کارآمدی بیشتر در بررسی ساخت‌هایی با عناصر غیر هم‌جوار را دربر می‌گیرد.

عناصر غیر موضوع در گروه اسمی زبان کردی مکریانی که حاشیه نامیده می‌شوند در دو سطح هسته اسمی و مرکز اسمی قرار می‌گیرند که البته هر لایه دارای عناصر حاشیه مختص به خود است. عناصر حاشیه هسته اسمی عبارت‌اند از گروه‌های اسمی، صفت‌ها و بندهای موصولی محدودکننده. این دسته از گروه‌های اسمی بسته به رابطه خود با هسته در دو جایگاه حاشیه‌ای قبل و بعد از آن قرار می‌گیرند؛ گروه‌های اسمی شاخص قبل و گروه‌های اسمی اضافه ملکی پس از هسته واقع می‌شوند. صفت‌ها و همچنین بندهای موصولی محدودکننده نیز بلافاصله پس از هسته اسمی قرار می‌گیرند. از سوی دیگر، عناصر حاشیه‌ای مرکز اسم در این زبان متشکل از گروه‌های حرف‌اضافه هستند که ارجاع آنها به زمان و مکان است. درون ساختار گروه‌های اسمی به تبعیت از ساخت بند، عناصر غیر موضوعی نیز وجود دارد که در زمره عناصر حاشیه هسته و یا مرکز اسمی به حساب نمی‌آیند و با عنوان جایگاه‌های آغازین و پایانی گروه اسمی نامیده می‌شوند؛ وابسته‌های پرسشی و تعجیبی در جایگاه آغازین و بندهایی موصولی غیر تحدیدی نیز در جایگاه پایانی گروه اسمی واقع می‌شوند.

علاوه بر اینها، فرافکن جداگانه‌ای در ساخت لایه‌ای گروه اسمی به‌صورت عناصری دستوری و فارغ از عناصر جهانی فوق وجود دارند که تحت عنوان عملگرها از آنها یاد می‌شود و در سطوح متفاوت هسته، مرکز و گروه اسمی حضور داشته و نقش خاصی برعهده دارند. عملگرهای سطح گروه اسمی را ضمائر اشاره و نشانه‌های معرفه و نکره تشکیل می‌دهند؛ نشانه‌های معرفه و نکره در کردی سورانی به‌صورت واژه‌بست به هسته

اسمی ملحق می‌شوند و علیرغم دارا بودن نزدیک‌ترین فاصله با هسته اسمی جزء عملگرهای هسته به حساب نمی‌آیند که همین امر گواهی بر این اصل است که در دستور نقش و ارجاع، ترتیب خطی عناصر ملاک تعیین ساخت نحوی نخواهد بود. در سطح مرکز، کردی مکرپانی از عناصر بیانگر کمیت یعنی مقدار و تعداد و عنصر نفی استفاده می‌کند و این بار نیز واژه‌بست‌های نشانگر جمع به هسته افزوده می‌شوند. سرانجام، عملگرهای سطح هسته اسمی وجود دارند که مشتمل بر ممیزهای اسمی بوده و از لحاظ معنایی نشان‌دهنده نمود هسته می‌باشند. در زیر، نمودار پیشنهادی گروه اسمی در زبان کردی مکرپانی را ملاحظه می‌کنید:



نمودار (۴): ساخت لایه‌ای پیشنهادی گروه اسمی در کردی مکرپانی

منابع

- پیمان، شهرام، والی رضایی و محمد عموزاده (۱۳۹۵). ساختار گروه اسمی زبان فارسی بر پایه دستور نقش و ارجاع، رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.
- تفکری رضایی، شجاع و کبری نظری (۱۳۹۲). نقش ممیز عدد در گروه حرف تعریف کردی کلهری. *مجله پژوهش‌های زبان‌شناسی*، سال پنجم، شماره دوم، صص ۸۹-۱۰۸.
- دانش‌پژوه، فاطمه (۱۳۹۳). ساخت به اصطلاح مجهول در زبان کردی (کرمانجی، سورانی)، رساله دکتری زبان‌شناسی همگانی، بخش ادبیات و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
- _____ ارگتیو در زبان کردی (سورانی-هورامی-بادینی) در چارچوب نظریه حاکمیت و مرجع‌گزینی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه زبان‌شناسی و زبان انگلیسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
- رخزادی، علی (۱۳۷۹). *آوانداسی و دستور زبان کردی*، انتشارات ترفند، تهران.

- علی‌نژاد، بتول و صادق محمدی بلبان‌آباد (۱۳۹۳). واژه‌بست‌های ضمیری در گویش کردی سورانی: تعامل با حروف اضافه. *فصلنامه علمی-پژوهشی زبان و ادب فارسی*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سال ششم، شماره ۱۸، صص ۹۴-۷۵.
- کاوسی‌نژاد، سهیلا (۱۳۷۶). حذف در گروه اسمی زبان فارسی. *نامه فرهنگستان*، شماره ۱۲، صص: ۱۴۶-۱۶۶.
- محمدی بلبان‌آباد، صادق (۱۳۸۷). رویکردی کمینه‌گرا به ساخت اضافه در زبان کردی (گویش سورانی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی، دانشگاه کردستان.
- Alexiadou, Artemis et al 2007. *Noun Phrase in the Generative Perspective*, Mouton de Gruyter, Berlin.
- De Monnik 2000. On the move: the mobility of constituents in the English noun phrase: a multi-method approach, Doctoral dissertation, Radboud University Nijmegen:Amsterdam.
- Dik, Simon C. 1997. *The Theory of Functional Grammar: the structure of the clause*, Mouton de Gruyter, New York.
- Everett, Daniel L. 2002. Asymmetrical clause linkage in Wari, unpublished MS., University of Manchester. (Available on RRG web site.)
- Jespersen, O, 1935. *The Philosophy of Grammar*, University of Chicago Press.
- MacKenzie, D. N. 1961. *Kurdish Dialect Studies*, Oxford University Press, London.
- Pavey, Emma L. 2010. *The Structure of Language*, Cambridge University Press.
- Pustejovsky, James 1998. *The Generative Lexicon*, The MIT Press.
- Rijkhof. 2002. *The Noun Phrase*, Oxford University Press.
- Tahir, Rebwar 2017. Two DP Layers within the Central Kurdish Noun Phrase, *Linguistics and English language postgraduate conference*, Newcastle University, UK.
- Thackston, W.M. 2013. *Sorani Kurdish: A Reference Grammar with Selected Readings*, www.fas.harvard.edu/~iranian/Sorani/Harvard.
- Taylor, JR. 2002. *Cognitive Grammar*, Oxford: Oxford University Press.
- Van Valin Jr., R. D. 2005. *Exploring the Syntax- Semantics Interface*, Cambridge: Cambridge university press.
- _____ . 2001b. *An introduction to syntax*, Cambridge: Cambridge University Press.
- VanValin, Robert D. and Randy J. LaPolla 1997. *Syntax: structure, meaning and function*, Cambridge University Press.